

کتابخانه  
مجلس شورای  
اسلامی



۳۹۰۰  
۲۵۹۲۴

کتابخانه مجلس شورای ملی

نام کتاب: مجمع البحار  
مؤلف: مظفر علی شاه کرمانی  
موضوع تألیف: ...  
شماره قفسه: ۳۹۵۱  
شماره دفتر: ۲۵۹۲۴  
مؤسسه: ۱۳۰۲  
شماره ثبت: ۹۲۰۰

بازدید شد  
۱۳۸۲

کتابخانه مجلس شورای ملی  
شماره ثبت: ۲۹۰۰

۳۹۰۰  
۲۵۹۲۴

کتابخانه مجلس شورای ملی		۳۹۰۰
نام کتاب: مجمع البحار	مؤلف: مظفر علی شاه کرمانی	مؤسسه: ۱۳۰۲
موضوع: تاریخ	شماره قفسه: ۳۹۵۱	شماره دفتر: ۲۵۹۲۴

باریاد شده  
۱۳۸۲

کتابخانه مجلس شورای ملی
۲۹۰۰

بازرسی شد  
۳۶ - ۳۷

۳۹۰۰  
۸۹۲۴

جمع الج















در اسم پنداره اسم در این دنیا هویدا آمد اسم و این نوع و هم این هر چه نظر  
 یک دانسته شود که در این عالم که عالم حق و عالم ملک و عالم تصرف و عبادت  
 از این است حضرت مشهور است که در مقام اعیان ثابت را که صورت و فیض از این است  
 این است حضرت غیب مطلق گویند و عالم ارواح را که عالم امور و عالم ملکوت و عالم حرف  
 لا یقین و فی غیر از این است حضرت غیب مضاف گویند چرا که هر چه نسبت به غیب مطلق  
 نسبت است و نسبت نسبت به مشهورات مطلقه غیب و غیب مضاف را در دو درجه بود  
 حضرت غیب مطلق و اعیان ثابت دارد و در عالم مثال مطلق و عالم حروف گویند و در  
 به حضرت مشهورات مطلقه و عالم ملک دارد و لکن از این عالم ملک معتقد و ملکوت گویند و  
 ملکوت با این معنی است از ملکوت به معنی اول چرا که ملکوت به معنی اول مطلق و عالم ارواح  
 بود و ملکوت به این معنی که از عالم ارواح است و این هر چه حضرت را از حضرت غیب مطلق  
 و حضرت مشهورات مطلقه و او هم حضرت غیب مضاف که هر یک از اینها نسبت به حضرت  
 صاحب که حضرت انانی کامل است حضرت غیب گویند و حضرت نفی الله و لا شریک له العلی  
 تغییر از حضرت هر چه بر این وجه فرمود **بیت** غیب مطلق حقیقه از حضرت و عالم اعیان  
 بود و در معنی هم مشهورات حضرت و دیگر که در عالم او ملک حریفی میکرد و حضرت دیگر بود  
 غیب مضاف در میان هر دو حضرت با مضاف و به غیب مطلق حضرت و آن  
 علم محفولات از این دفتر کجانی هم مطلق مطلق را گویند از این عالم که در در  
 مضاف است با ملکوت و در دیگرانی با حرف و مطلق در دیگرانی با این مطلق را  
 مطلق را

معتقد نام که عالم ملکوت را اینها گویند حضرت که به این معنی هر چه در این عالم است  
 که در این عالم است حضرت و در این حضرت نکره به این معنی حضرت از این غیب مطلق  
 نکره در عین او هم مشهورات است و از این ملک نکره از حضرت نفی او ملکوت است این  
 جمع اینها را که هر چه در این است و در معنی حضرت و مظهر الله غیب و عالم حق  
 روح و جسمی احد و غیره او هم ثابت با وجود او و از این که وجود غیب مطلق و ملکوت  
 مشهور است اسم الله که تعظیم با هر که با جانش عار از این عالم را از این نکره نام را  
 عطار اسم اعظم و السلام **تعلیق** به انا ای حقایق حکیمه که از این است که کشف الله طوالت  
 الهمانی و قد در شده و بر مشهورات مضاف است حضرت از حضرت مشهورات و عبادت  
 ملکات که به این طرح وجود مظهر مظهر است وجود و به این طرح عدم مضاف مکرر  
 معنی و در حد ذات خود نه موجود و نه معدوم و نه ملک و نه نکره الماهیه من حیث  
 هی الا هی عبادت از حضرت اعیان ثابت باشد و عقول مجرد و مفرقه که با مطلق  
 انرا اقیانوس صمدانه با باب انعام و الوارثه بهر و با مطلق و حکم از این مظهر به  
 سر او ای و این را بهر از این است و در این نکره نسبت محمد صمد الله علیه و آله  
 به ملکات معین مظهر مظهر که در مظهر عزیزی است لیکن **المسیح** عبد  
 الله و لا اله الا الله الملق برب عبادت از حضرت محروم و مثال مطلق و نفی  
 ناطق مجرد و فکریه و انانی و نفی مطلق فکری که به جانش است و در این و هم جانش  
 حی انانی و هر یک از این دو به بر این مظهر مظهر و جسم و مظهر مظهر









































































































































ويعلم ان الحق تبارك وتعالى قد خلقنا من طين  
 ارادة الحق تبارك وتعالى ان يكون خلقنا من طين  
 معنوا من طين بكوننا من الارض والطين  
 لا يخرج من طين بعد ان يكوننا من طين  
 وانما كالتنقيح من طين والحق تبارك وتعالى  
 الذي انزلنا من طين بكوننا من الارض والطين  
 قد علمنا ان الحق تبارك وتعالى قد خلقنا من طين  
 وهو حق وماتين بعد ان كان من طين  
 المعطوية من طين والحق

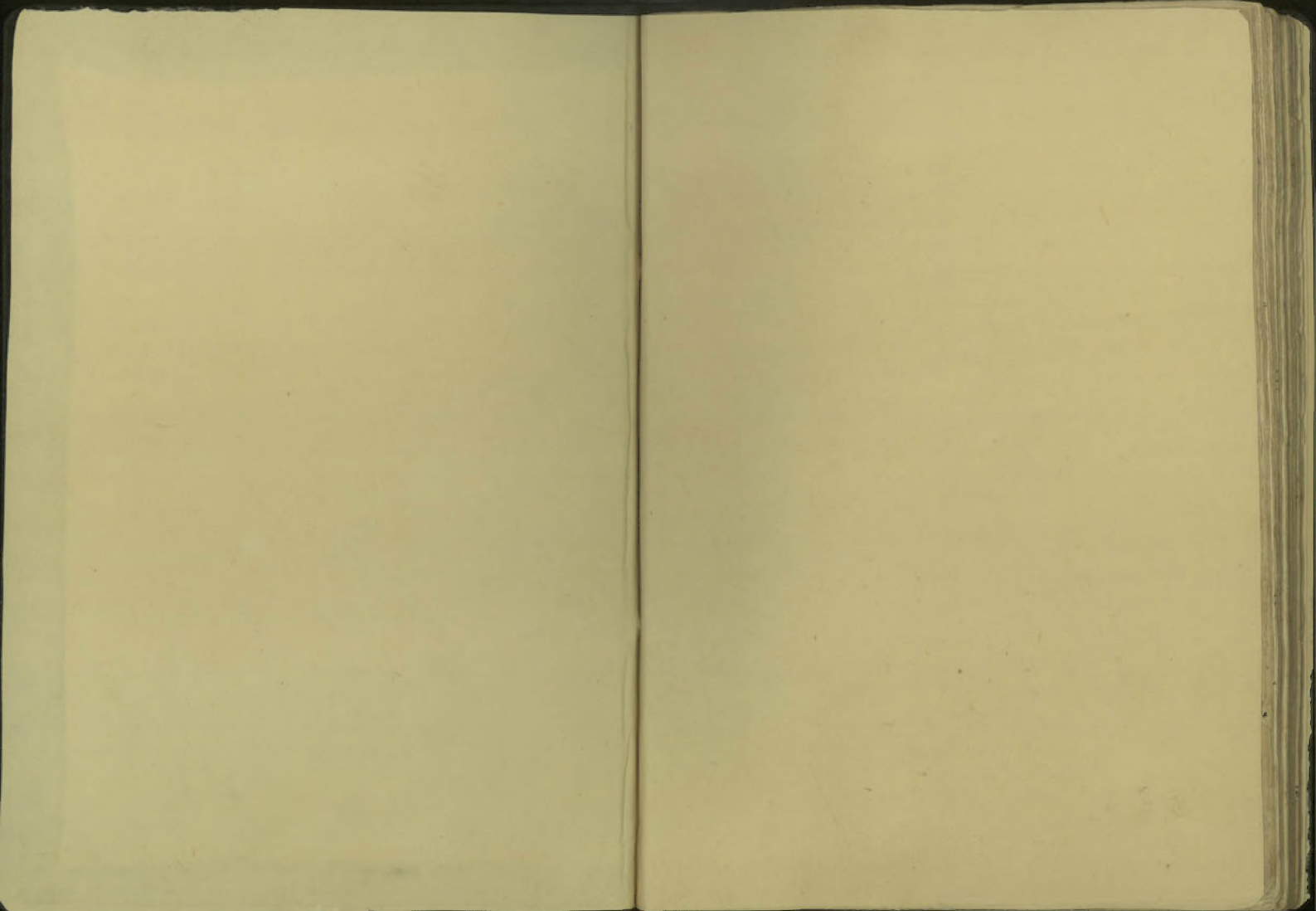
الاف الشاه

البحر

٢









خطی